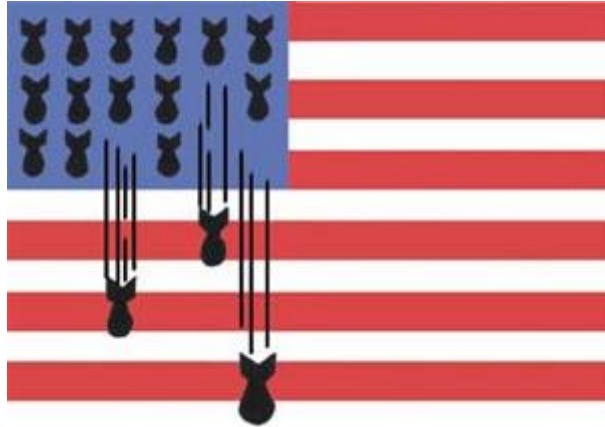


## ایالات متحده آمریکا - ابر قدرت مقروض



چند روز پیش ایالات متحده آمریکا دوصدوسی و پنجمین سالروز آزادی اش را جشن گرفت. ولی هیچگاهی در مقایسه با سالروز کنونی آزادی مردم وکشوراین سرزمین وابسته به سایرکشورها نبود. هردو از نظر مالی در دست بانکها، تأسیسات مالی، ثروتمندان پولداروبانکهای مرکزی جاپان وچین، قراردارند. زیرا بزرگترین قدرت مالی واقتصادی جهان روبه افلاس است. ایالات متحده آمریکا بتاريخ دوم اگست ۲۰۱۱ به حداعلاى مقروضیت تعیین شده قانونی اش یعنی ۱۴،۲۹ بلیون (۱۴/۲۹۰ میلیارد) دالر- که برابر است با ۹۷،۰ درصد وتقریباً صد در صد محصول ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا- وارد میشود. هرگاهی کانگرس تا آنزمان محدودیت قروض راتزئید نبخشد، دولت قادر به پرداخت قروض اش نیست.

ایالات متحده آمریکا نمیتواند تعادل پرداختهایش رابه انجام رساند، معاشات کارمندان عرصه خدمات عامه را پرداخته نمیتواند، آفرهای دولتی راتفویض نمیتواند وپیمانۀ قروضش را نمیتواند تنزیل دهد. وزنه سنگین مقروضیت با رقم ۴،۳۸ میلیارد دالر روزانه ارائه میگردد و اداره ایالات متحده باید ماهانه ۱۲۵ میلیارد دالر پول تازه راز مارکیتهای مالی خریداری کند. آژانسهای ریتینگ موودیس و استندرد اندپوورس قبلاً بخاطر عدم اعتماد برای استرداد کریدتهای شان به دولت ایالات متحده ابراز ناراحتی کرده بودند و در برابر، ریتینگ بالایی نرخ اول را مورد سوال قرار داده بودند. تنزیل نرخ ریتینگ که تزئید ربح را باخود دارد برای اسناد بها دار ایالات متحده مصارف چندین میلیاردی را برای پرداخت ربح گواهی میدهد.

۱۴/۲۹۰ میلیارد دلر برای هریک از اتباع ایالات متحده چه خورد سال و چه کهنسال به معنی مقروضیت سرانه ۴۷/۰۰۰ دالر است. در آغاز ماه جولای ساعت نمایش قرضداری در شهر نیویارک بیانگر قرضداری هرفامیل بود: یعنی ۱۲۱/۸۵۳ دالر. هر یک از اتباع امریکا باید صرفاً به قرضه دهنده بزرگ شان کشور چین مبلغ ۴/۰۰۰ دالر بپردازد که مجموعاً گواه ۱،۲ بلیون دالر است که درین میان قرضه های پرداخته شده از جانب چین به تمویل کننده نیمه دولتی جایدادهای منقول فریدی ماک و فینی می هنوز محاسبه نشده است.

نجات دادن همین تأسیسات غولپیکر جایدادهای غیرمنقول، بانکها و بیمه ها و همچنان تصویب بودجه های بی سرو پا غرض دادن تکانه به اقتصاد بحران زده ایالات متحده یکی از عوامل بحران مقروضیت کنونی است. صرفاً پشتیبانی آنی دولتی برای نجات سیستم بانکی بالغ به ۱/۱۰۰ میلیارد دالر شد و محموله رونق اقتصادی ۷۸۳ میلیارد دالرو زین بود.

### پنج ونیم بلیون دلر برای مخارج نظامی و امور تسلیحاتی

غده سرطانی امور مالی دولت ایالات متحده همانا مصارف سرسام آور نظامی، تسلیحات و جنگ است. از سال ۲۰۰۱ زمانیکه رئیس جمهور جورج دبلیو بوش به جهانیان «جنگ علیه ترور» را اعلام کرد تا سال ۲۰۱۰ حکومت ایالات متحده جمعاً ۵/۵۰۰ میلیارد دالر را صرف هزینه نظامی و تسلیحاتی کرد. در سال ۲۰۱۱ مصارف نظامی دو برابر ده سال پیش گردید که مبین ۷۲۰ میلیارد دالر میباشد و در مقایسه با سال ۲۰۰۱ مصارف نظامی به ۳۷۹ میلیارد دالر میرسید. در سطح جهان ایالات متحده امریکا ۴۵ درصد هزینه های نظامی را بمصرف میرساند، حال آنکه اینکشور ۴ درصد نفوس جهان را تشکیل میدهد. درخور تعجب نیست که مقروضیت دولتی در درازای هشت سال دو برابر شده است.

با در نظر داشت اینکه در بودجه نظامی همه مخارج جنگهای امریکا شامل نمیشد. انستیتوت آزادی مصارف جنگ ایالات متحده امریکا برای جنگ عراق و جنگ علیه افغانستان را از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ به ۱،۳۳ بلیون دالر رقم میزند. جوزف ستیگلیتس اقتصاددان طراز اول بانک جهانی و دارنده جایزه نوبل و دانشمند امور مالی لیندا بیلمس ارقام بالا تر ازین را ارائه داشته اند. هر هفته ایکه از جنگ افغانستان میگذرد برای ایالات متحده امریکا دو میلیارد دالر هزینه برمیدارد. و بگفته (بریژینسکی) که "یگانه ابر قدرت جهان" برای تمویل آن پول ندارد. این ابر قدرت خود قربانی "تفوق طلبیهای امپریال" در عرصه توسعه بی پایان قدرت امپریالیستی اش

گردیده است. داشتن ۷۵۰ پایگاه نظامی در کره خاکی، موجودیت نیروهای دریایی تا دندان مسلح در همه بحرهای جهان و دهها جنگ در طول ۲۰ سال گذشته باعث فرسایش مالی و اقتصادی قدرت ایالات متحده آمریکا شدند.

ولی تنقیص مصارف نظامی و تسلیحاتی در مشاجره دموکراتها و جمهوریخواهان بخاطر اهداف صرفه جویانه و بالا بردن حدود مقروضیت اصلاً مطرح بحث نبود و برخلاف:

رئیس جمهور اوباما مصارف تسلیحاتی را در بودجه جدید ایالات متحده بازهم ۱۷ میلیارد دالر دیگر افزایش بخشید. همان تسهیلات مالیاتی ایکه برای ثروتمندان از جانب بووش در نظر گرفته شده بود بازهم دست نخورده باقی ماند که اینهم یکی از اجزای کسر عظیم بودجه در ایالات متحده به حساب میآید. گذشته ازین در تزئید پرداخت مالیات کارخانه ها نیز تحرکی رونما نگردید، با وجودیکه دموکراتان در آغاز آنرا مطالبه میکردند. در مقابل دستبرد رادیکال در کاهش مصارف بیمه های اجتماعی و بخصوص میدیکاید (بیمه صحت برای نیازمندان) و میدیکار (برای باز نشستگان) در نظر است. درین عرصه جمهوریخواهان میخواهند ۲،۴ بلیون دالر صرفه جویی نمایند تا مطابق به آن حدود مقروضیت را توسعه بخشند. از جمله ۱،۵ بلیون آن قبلاً با اوباما توافق شده است. "سازش" منتظره در زمینه بودجه و مقروضیت میان حکومت و جناح مخالف استکاکهای اجتماعی کشور را تشدید هرچه بیشتر میبخشید.

### **ارتقای حدود مقروضیت دولتی صرفاً بمعنی به تعویق انداختن بحران است**

ارتقای حدود مقروضیت و صرفه جوییهای ضد اجتماعی در بودجه، تنها باعث به تعویق افتادن بحران مقروضیت میگردد- که حدود آنرا تا انتخابات بعدی میتوان پیشبین شد. از آنجاییکه رشد اقتصادی متصور نیست و وضع اقتصادی در حالت بیماری قرار دارد، این مسأله پس از چندماه محدودی دوباره و شدید تر از گذشته بروز خواهد کرد. با در نظر داشت وضع نابسامان اقتصادی تعدادی از دانشمندان عرصه اقتصاد بدین نظر اند که تبارز مجدد رکود اقتصادی به شکل دوگانه، که بوسیله بحران مالی دیگری رونما میگردد با بحران یورو بدرقه خواهد گردید. درمقایسه با بحرانهای مالی و اقتصادی پیشین جهان، حالا نمیتواند سیاست استنادی دولتی با وسایل کاینیسی توضیح و ترسیم گردد. استناد کسر بودجه با محموله های نجات دهنده و تشدید رونق اقتصادی که در بحران سالهای ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۹ بکار بسته شد حالا کاملاً ناممکن است. کاینیسیزم تا حدودی با آخرین هورورا! رخت سفر می بندد. کاینیسیزم، کشورهای صنعتی سرمایه داری را مؤقتاً به قیمت مقروضیت کامل از بحران بر امان داشت. سرمایه گذاریهای

مجدد دولتی در مقیاس جهانی بخاطر آنست تا بهای یک انفلاسیون بی پایان را در توأمیت با تصاحب داراییهای افراد دارنده حسابهای کوچک پس انداز، بازنشستگان و همه آنانیکه امکانات چسپیدن به بازار های اسهام و اسناد بهادار را نداشتند، رهنمون گردند.

علاوه برین باید تأکید گردد که مقروضیت دولتی یگانه مقروضیت در کشور نیست. پشتۀ مقروضیتها بلندتر از آنستکه تصور میشود. تقریباً بهمین پیمانۀ سرسام آور مقروضیت فامیلهای منفرد نیز میباشد. در ربع اول سال ۲۰۱۱ این مقروضیت به ۱۳،۷۹ بلیون دالر امریکایی (۱۳/۹۷۰،۴ میلیارد) میرسید که مستهلکین در ایالات متحده به آن مواجه بودند و متشکل از کریدتهای مصرفی و عمرانی بود. دو ملیون تبعۀ ایالات متحده درین محدوده مجبور به واگذاری منازل رهائشی شان شدند و چهار ملیون دیگر با تعمیل شرایط کریدتها وریح ناشی از آن هر کدام الی دوماه بدهکاریهای شانرا نپرداخته اند. همچنان افلاس انفرادی با درنظرداشت میزان بزرگ بیکاری (رسماً ۹،۳ درصد - ۱۵ درصد غیررسمی) تشدید بیسابقه حاصل کرده است.

هر گاهی مقروضیت دولتی و مقروضیت انفرادی را باهم بشماریم، دیده میشود که هریک از اتباع ایالات متحده حدود ۹۵/۰۰۰ دالر مقروض است. اینست میراث ناگوار برای نسلهای آینده. این هم واضحست که از جانب مصرف کننده گان در ایالات متحده کدام تکانه مثبتی برای اقتصاد جهانی متصور نیست.

### در برابر پشتۀ های مقروضیت خزانه های ثروتمندان قرار دارند

آنچه قابل یاددهانی است، مقروضیت شرکتها میباشد که به شکلی ازاشکال ازطریق افزایش قیمتهاویا کاهش دستمزد کارمندان شان تا حدودزیادی برشانه های اکثریت مردم سنگینی میکند. بر مبنای اظهارات بانک مرکزی اروپا مقروضیت این شرکتها (بدون سکتور مالی) در پایان سال ۲۰۱۰ بالغ به ۷۵ درصد محصول ناخالص ملی ایالات متحده میگردد، یعنی ۱۱ بلیون (۱۱/۰۰۰ میلیارد) دالرسنگین بود. در مجموع بالای اقتصادایالات متحده مقروضیتی که ۳۹ بلیون (۳۹/۰۰۰ میلیارد) دالر سنگین است، وارد آمده که همدیف است با ۲،۷ برابر مجموع توان اقتصادی ویا محصول ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا. قبول میکنیم که هرگاهی ۵ درصد ربح رامعیار قرار دهیم در آنصورت جامعۀ ایالات متحده مجبور است تا سالانه حدود ۲ بلیون (۱/۹۵۰ میلیارد) دالر برای پرداخت ربح را پردازد که حاکی از ۱۳ درصد مجموع محصول ناخالص ملی است. این ربح که درواقعیت محصول عرقریزی همه جامعۀ است درجیبهای اریستوکراتی پولی این جامعۀ سرازیر میشود.

زیرا اقتصاد ایالات متحده آمریکا تنهامتشکل ازپشته های مقروضیت است، بلکه متشکل ازچنین وجوه پولی بزرگ نیز میباشد. وجوه پولی تا حدود زیادی همگام چنین مقروضیتها است وازینجا نشئت میکند که باعث مقروضیت دیگران شده است. بنابراین در ایالات متحده آمریکا در کنار مقروضیت، ثروت پولی شدیداً گسترش مییابد. به همین دلیل بگونه مثال ثروت پولی باافزایش ۱۰،۴ درصد (اسیست اندر منجمنت: در آمارگروپ کونسالت بوستن با ثروت پولی ۱۰۰/۰۰۰ دالر) در امریکای شمالی درسال ۲۰۱۰ بالغ به ۳۸،۲ بلیون دالر شد. ۵،۲ ملیون ملیونرها (صرفاً ثروت مالی) نیم این ثروت را تصاحب کردندوبه تعدادملیونر هادرسال ۲۰۱۰ هشت درصدافزوده شد. تنها تأسیسات سرمایه گذاری در ایالات متحده آمریکا اداره ثروت پولی رابه ارزش ۲۷/۶۰۰ ملیارد دالر بعهدده داشتند که این رقم افزونتر از سرمایه گذاری در تمام جهان (۲۷/۲۰۰ ملیارد دالر) است. قطب بندی جامعه ایالات متحده به فقیر و غنی با در نظرداشت ارقام یاد شده در حالت تشدید هرچه بیشتر است.

درکنارتجمع ثروت ازطریق ربح، درآمدکانسرنها نیزیکی دیگر ازعوامل تجمع ثروت پولی است. هنگامیکه مجموع سیستم اقتصادی لنگان است، دیده میشود که ۵۰۰ شرکت بزرگ سهمیم در بازاراسعارچنان درآمدی دارند که اصلاً بیسابقه است. بقول از شرکت تامسن رویترس، آنها درربع دوم سال ۲۰۱۱ در مفاد خالص افزایش ۱۴ درصد داشتند، باوجودیکه همین ربع در سال گذشته نیز مبین نیرومندی خاص بوده است. دریک حرف امریکا صرفاً برای ثروتمندان رشد میکند.